





دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات عربی

عنوان :

معین بسیسو از خلال آثارش

استاد راهنما:

دکتر نجمه رجائی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد باقر حسینی

نگارنده:

سید محسن آرمند

تابستان ۱۳۹۰

تقدیر و تشکر

اکنون که در آستانه‌ی پشت سر گذاشتن مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد قرار گرفته‌ام، بر خود لازم می‌دانم که از تمام معلمان و اساتیدی که به نحوی در تعلیم و آموزش اینجانب نقشی داشته‌اند، تشکر و قدردانی نمایم؛ به ویژه از استاد بزرگوار و ارجمند سرکار خانم دکتر رجائی که کوتاهی‌ها و کاستی‌های اینجانب را با بزرگواری و سعه صدر پاسخ دادند و نظرات عالمانه‌شان راهگشای مسایل مربوط به این رساله بود.

و نیز با تشکر فراوان از استاد محترم دکتر حسینی که مشاور بنده در این رساله بودند و همچنین با تشکر از جناب آقای دکتر نوروزی که به عنوان نماینده تحصیلات تکمیلی در جلسه دفاع شرکت کردند و سپاس فراوان از استاد محترم آقای دکتر عرب که به عنوان داور در جلسه دفاع حضور داشتند و در مدت زمانی کوتاه بطور کامل این رساله را مطالعه فرمودند و نظرات عالمانه ایشان در تصحیح این رساله خصوصاً مسائل مربوط به ترجمه بسیار راهگشا بود.

در پایان از پدر و مادرم که در تمام مراحل زندگی پشتوانه و تکیه‌گاه من بودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تحصیلات تکمیلی فرم چکیده‌ی پایان‌نامه به زبان فارسی

نام خانوادگی دانشجو: آرمند	نام: سید محسن
استاد(ان) راهنما: دکتر نجمه رجائی	استاد(ان) مشاور: دکتر سید محمد باقر حسینی
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی	رشته‌ی: زبان و ادبیات عربی گرایش: ادبیات
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ●	دکتری ○
تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۰۹/۱۷	تعداد صفحات: ۱۴۳
تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۰۶/۲۱	
عنوان پایان‌نامه: معین بسیسو از خلال آثارش	
کلید واژه‌ها: بسیسو، فلسطین، ادبیات، شعر، مقاومت	

چکیده پایان‌نامه:

این پایان‌نامه پژوهشی پیرامون «بررسی آراء و نظریات سیاسی، اجتماعی و ادبی معین توفیق بسیسو»، یکی از سه شاعر معاصر و مطرح فلسطینی می‌باشد که در سه بخش تنظیم شده است؛ بخش اول به آراء و افکار و مکاتب شعری بسیسو اختصاص دارد. در بخش دوم که اساسی‌ترین قسمت این پایان‌نامه است با مقدمه‌ای در زمینه ادبیات متعهد و مفهوم مقاومت در شعر، اشعار وی مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش سیر تحول مفهوم مقاومت در دیوان شاعر بررسی شده و روشن می‌گردد که در این مسیر، مفهوم مقاومت از مسئله‌ای جزئی، به مفهومی کلی و انسانی تبدیل می‌شود. در بخش سوم نیز، اشعار بسیسو از لحاظ فنی مورد بحث و بررسی قرار گرفته تا روشن شود که شعر این شاعر معاصر در سطحی قرار دارد که می‌توان او را یکی از سه شاعر اصلی فلسطین به حساب آورد.

امضاء استاد راهنما:



كلية الآداب و العلوم الإنسانية

استثماره ملخصه للرماله باللغة العربية

مديريت الدراسات العليا

لقب الطالب: آرمند
الاستاذ: الدكتور نجهه رجائي
كلية الآداب و العلوم الإنسانية،
مقطع: الماجيستير
تاريخ المناقشة: ١٣٩٠/٠٦/٢١
عنوان الرماله: معين بسيسو من خلال آثاره
المفردات الرئيسة: بسيسو، فلسطين، الادب، الشعر، المقاومة

الإسم: سيد محسن
الاستاذ المشاور: الدكتور سيد محمد باقر حسيني
قسم: لغة العربية و آدابها فرع: الادب العربي
عدد الصفحات: ١٤٣

الملخص:

إنّ هذه الرماله تناقش آراء معين توفيق بسيسو السياسية و الاجتماعية و الادبية. يعدّ بسيسو من أبرز شعراء فلسطين و له الكثير من الدواوين الشعرية كديوان المعركة و ديوان الاشجار تجوت واقفة وغيره تركّز دربتنا لهذا الشاعر الذي يعدّ من شعراء منلت شعر المقاومة في فلسطين مع محمود درويش و سميح قاسم على ثلاثة محاور ذات أهمية لفهم شعره . وهي حياته و نشاطه الثقافي و الفكري، و تبين اغراضه و مضامينه الشعرية و نقد اسلوبه الادبي مثل لفته الشعرية و اساليبه و صوره الشعرية و موسيقاه و كيفية نظرقه للاطير في شعره . تطور شعر بسيسو تطوراً عجبياً إذ كان في البداية يركّز على معاناة الشعب الفلسطيني دون سائر الشعوب و يعمل لاعلاء رويته الحزبية على سائر الاحزاب ولكن في دواوينه الاخيره لم نجد اثرًا لمثل هذه اللانانية - إن صحّ التعبير - فقد أخذ شعره منحىً إنسانياً يالم لكل مآسى الشعوب المضطربة و ليس لمآسة فلسطين وحدها.

توقيع الاستاذ المشرف :

فهرست

۱۱	مقدمه.....
۱۳	فصل اول: زندگینامه، و نگاهی اجمالی به آراء و مکاتب شعری.....
۱۴	بخش اول: زندگی نامه.....
۱۷	آثار.....
۲۱	آراء، افکار و مکتب شعری.....
۲۲	رنالسیم (= واقعگرایی).....
۲۳	زمینه های اجتماعی رنالیسم.....
۲۵	زمینه های فلسفی.....
۲۶	ویژگیهای مکتب رنالیسم.....
۲۷	واقعگرایی در ادبیات عرب.....
۲۸	مارکسیسم در تفکر عرب.....
۳۰	بخش دوم: آراء و افکار معین بسیسو درباره سیاست و ادبیات.....
۳۳	ویژگیهای کلی، سطوح و جایگاه شعری معین بسیسو.....

جایگاه و ارزش شعری	۳۷
فصل دوم نگاهی تحلیلی به مضامین شعری معین بسیسو.....	۳۹
درآمد	۴۰
بخش اول: ادبیات متعهد (ملتزم).....	۴۱
تعهد در ادبیات عرب	۴۶
ادبیات مقاومت	۴۹
ادبیات پایداری در جهان عرب.....	۵۱
بخش دوم: مضامین شعری معین بسیسو	۵۴
مقاومت	۵۴
۱. تل زعتر.....	۸۰
۲. شاعران حقیقت.....	۸۵
برآیند گفتار.....	۸۹
فصل سوم: نقد فنی اشعار معین بسیسو.....	۹۳
درآمد	۹۴

- ۱ - زبان شعری ۹۶
- ۲- اسلوب ۱۰۸
- اول: اسلوب غنایی ۱۰۹
- دوم: اسلوب داستانی ۱۱۴
- ۳ - صور خیال ۱۲۱
- ۴- موسیقی ۱۲۶
- ۵ - شیوه اسطوره پردازی ۱۳۲
- نتیجه گیری ۱۳۷
- کتابنامه ۱۴۰

مقدمه

یکی از مسایل مهم و تاثیرگذار در تاریخ معاصر عربی اسلامی، و شاید مهمترین آنها، مسأله فلسطین است. مسأله ای که با روح و جان ملتی آواره، گره خورده و در واقع زندگی و مرگ آن ها محسوب می شود. فلسطینی که زمانی در زیر سلطه استبداد و زمانی دیگر زیر یوغ استعمار بود و در نهایت اسیر دست صهیونیست ها شد، ساکنان خود را بر آن داشت تا زندگی ای سراسر مبارزه داشته باشند. و در این راه سلاح آنان گاه سنگ بوده، گاه تفنگ و برای عده ای خاص شعر. بعضی با دو سلاح تفنگ و شعر به میدان مبارزه آمده اند. این افراد شاعرانی بوده اند که وارد عرصه مبارزه شده، و نسبت به وطن و مردم و در درجات بالاتر، نسبت به آزادی و انسانیت احساس مسؤولیت می کردند.

از جمله این شاعران که می توان گفت تا حدودی (خصوصا در ایران) ناشناخته مانده، معین توفیق بسیسو است. ناقدان وی را به همراه محمود درویش و سمیح قاسم، سه ضلع شعر مقاومت فلسطینی می دانند اما با تمام این اوصاف همانطور که ذکر شد، وی نسبت به دو همتای دیگرش در حوزه ادبیات عربی گمنام تر است. نگارنده در این پژوهش بر آن است که چهره این شاعر معاصر فلسطینی را از خلال مجموعه اشعارش نمایان سازد.

این رساله در سه فصل سعی دارد به بیان این مسأله بپردازد که اصولا معین بسیسو کیست، جایگاه شعری وی در میان شاعران معاصر فلسطین کجاست و مهم تر آن که آیا وی شاعر مقاومت محسوب می شود؟ آیا می توان اشعار وی را در این حیطة جای داد. و اگر این گونه است، سیر تحول شعری او در بیان مفهوم مقاومت چگونه است.

ما در فصل اول به بررسی شخصیت، آراء و افکار و نیز جایگاه شعری بسیسو می پردازیم. همچنین مکتب های شعری و استفاده و تاثر شاعر از آن ها، در این فصل بررسی می شود.

در فصل دوم به مضمون اصلی شعر او که قاعدتا باید مقاومت باشد می پردازیم. در این مسیر به آرای ناقدان حول شعر مقاومت و حدود آن اشاره خواهیم کرد تا بتوانیم با ارائه تعریفی درست، اشعار وی را نقد کنیم.

در فصل سوم نیز نگاهی به مباحث فنی در مجموعه اشعار بسیسو می اندازیم تا روشن شود او به چه شکل این مباحث را به کار برده و سیر تحولی اش در این راستا چگونه بوده است. مجموعه اشعار بسیسو شامل یازده دفتر شعری است که خود شاعر در زمان حیاتش آن ها را به چاپ رسانده و مقدمه ای نیز بر آن نوشته است که همه این دفاتر چندین بار با هم، تحت عنوان (الاعمال الشعریه الکامله) به چاپ رسیده است.

دلیل انتخاب این موضوع، علاقه نگارنده به ادبیات معاصر، خصوصا حوزه ادبیات فلسطین است. در این حوزه پژوهش های زیادی انجام شده خصوصا در مورد محمود درویش، سمیح قاسم، ابراهیم و فدوی طوقان و ... ، اما تا آن جا که نگارنده بررسی نموده، پژوهش خاصی در مورد بسیسو آن هم به این شکل در ایران انجام نشده است. در ادبیات عربی اما، تلاش هایی برای بررسی آثار او انجام شده که از جمله آن ها می توان به کتاب استاد شنطی در مورد بررسی نمایش نامه های شعری بسیسو و نیز کتاب دکتر صبحی در مورد اسلوب شعری او و بعضی پژوهش های دیگر، اشاره کرد.

نگارنده با مطالعه تاریخ معاصر فلسطین، مجموعه اشعار شاعر، کتاب هایی در حوزه نقد شعر معاصر، و آرای ناقدان در حوزه ادبیات مقاومت و نیز نقد فنی شعر، این پژوهش را گردآوری کرده است.

لازم به ذکر است در این پژوهش، بر خلاف نمونه های مشابه، ما به تاریخ فلسطین اشاره نکردیم زیرا در زمینه تاریخ معاصر فلسطین، هم به شکل مجزا و هم در ابتدای تحقیقاتی از این دست، زیاد بحث شده و ما به جهت عدم اطاله کلام از ارائه آن خود داری کرده و سعی نمودیم در جریان زندگی شاعر به قسمت ها مورد نیاز از تاریخ فلسطین اکتفا کنیم.

فصل اول

زندگی نامه، و نگاهی اجمالی به آراء و مکاتب شعری

بخش اول: زندگی نامه

معین توفیق بسیسو در محله الشجاعیهی شهر غزهی فلسطین به تاریخ ۱۰/۱۰/۱۹۲۷ به دنیا آمد. البته در مورد تاریخ تولد او اختلاف وجود دارد؛ تاریخ تولد او را از ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۰ ذکر کرده‌اند. خود وی در مورد محل تولدش می‌گوید: «پدربزرگم، به دلیل جبروتی که داشت، سه فرزندش را مجبور کرده بود تا در خانه‌ی وی زندگی کنند؛ من نیز در همین خانه، که در محله‌ی الشجاعیهی غزه قرار داشت، به دنیا آمدم.» (بسیسو، ۱۹۷۸: ۲۶)

پدرش کارمند شهرداری غزه بود و خانواده‌ای متوسط داشت که بعضی جوانان این خانواده به کارهای ملی مشغول بودند؛ مثلاً، بسیسو در مورد عمویش، عاصم، می‌گوید:

عمویم، عاصم، اولین فرزند پدربزرگم بود که جهت تحصیل به استانبول رفت. هنوز به آن‌جا نرسیده بود که در چاپ و نشر مجله‌ی (المنتدی العربی) شروع به فعالیت کرد ... که دستگیر و محاکمه و نهایتاً محکوم به اعدام شد، هرچند به‌شکل معجزه‌آسایی از اعدام نجات یافت.

(همان)

پدر معین یک بار، در سال ۱۹۳۸، وارد رودخانه‌ی اردن شد تا عبدالقادر الحسینی، انقلابی معروف را، که مجروح بود نجات دهد. مادر شاعر نیز از این فعالیت‌ها بر کنار نبود؛ او به سال ۱۹۳۷ برای مبارزان فلسطینی قاچاق اسلحه می‌کرد.

در دامن خانواده‌ای اینچنین، شاعر ما بزرگ شد و کودکی را سپری کرد. علوم ابتدائی را در زادگاهش در مدرسه‌ی (الامام الشافعی) و علوم متوسطه را در دبیرستان همان شهر گذراند و همان‌جا مدرک اتمام دوره‌ی متوسطه‌اش را گرفت. (ابو الشباب، ۱۹۸۱: ۲۴۷)

بسیسو تنها شاعر یا نویسنده نبود، بلکه فردی سیاسی هم بود. او مبارزه‌ی سیاسی را از کودکی، از زمان اعتصاب عمومی و قیام مردم فلسطین بر ضد قیومیت انگلستان و حضور صهیونیست‌ها در فلسطین، در سال ۱۹۳۶، آغاز کرد. معین و دوستان دبیرستانی‌اش به نبرد با

نیروهای انگلیسی موجود در غزه می‌پرداختند، ماشین‌های آنان را سنگ‌باران و حرکت آنان را مختل می‌کردند.

قصائد انقلابی بسیسو زمانی که دانش‌آموز دبیرستانی بود منتشر شد. خود بسیسو می‌-

گوید: «در بیستم ماه می ۱۹۴۸ یکی از قصائد من که مجازاتش زندان بود منتشر می‌شد:

أحدٌ يَمُرُّ كذبتَ لا

أحدٌ يَمُرُّ، فلا حدود

أنا لن أبلدَلَ حبلَ مشنقتي

و لا زردَ الحديدِ» (بسیسو، ۱۹۸۱: ۳۰۱)

(یکی می‌گذرد، دروغ‌گفتی هیچ‌کس نمی‌گذرد زیرا که مرزی وجود ندارد / من هرگز طناب اعدام و زنجیر آهنی ام را عوض نخواهم کرد.)

البته در مورد زمان سرودن اولین سروده‌ی او نیز تا حدودی اختلاف وجود دارد؛ دکتر ابو

الشباب در کتاب خود، *شخصية الفلستيني في الشعر الفلستيني المعاصر*، می‌گوید: «در واقع

بسیسو سرودن شعر را در آغاز فاجعه‌ی اول (النكبة الاولى) در سال ۱۹۴۸ شروع کرد.» (ابو

الشباب، ۱۹۸۱: ۲۴۷) اما آقای شراب در کتاب خود، *شعراء فلسطين في العصر الحديث*، می‌گوید:

«اولین سروده‌ی بسیسو قصیده‌ی "الفلاح الفلستيني" است، که مجله‌ی *الحريه* در سال ۱۹۴۶

چاپش کرد.» (شراب، ۲۰۰۶: ۴۱۵)

بسیسو در اکتبر ۱۹۴۸ به دانشکده‌ی ادبیات در دانشگاه آمریکایی قاهره رفت «و در

رشته‌ی "روزنامه‌نگاری و ادبیات" مشغول به تحصیل شد» (ابو الشباب، ۱۹۸۱: ۲۴۷).

در آن زمان او جسورانه با جنبش فرهنگی مصر به طور عموم، و با جناح چپ آن،

خصوصاً، همراه شد. دیوان شعر خود، *المعركة*، را در ۲۷ ژانویه ۱۹۵۲ منتشر کرد و در همان سال

لیسانس روزنامه‌نگاری خود را گرفت.

وی زندگی علمی خود را به‌عنوان معلم در عراق آغاز کرد، اما، به‌سبب انجام فعالیت‌های

سیاسی، در سال ۱۹۵۳، دوره‌ی نوری سعید، از عراق کوچ کرد. (همان)

بعد از بازگشت به غزه از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ به‌عنوان معلم مشغول به کار شد و، هنگامی که اولین اتحادیه‌ی معلمان در تابستان ۱۹۵۴ تشکیل شد، اولین جلسه‌ی آن با قصیده‌ی (إلی المتاریس) وی افتتاح گردید:

أرسمی من دمی و من أصفادی / یا آیادی، خریطه لبلادی (بسیسو، ۱۹۸۱:۲۲۳)
(ای دست‌ها، از خون و زنجیر من نقشه‌ای برای سرزمین رسم کن)

سپس نوار غزه را به مقصد بیروت ترک کرد. در آن‌جا چندین مقاله‌ی سیاسی در هفته-نامه‌ی (الحوادث) در تابستان ۱۹۶۴ چاپ نمود و در آن‌ها به‌شدت از چپ‌گرای‌های مصری، به‌دلیل مخالفتشان با نظام عبدالناصر، انتقاد کرد.

از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹ در روزنامه‌ی (الثورة السوریة) فعالیت می‌کرد. در همان دوران یعنی در سال ۱۹۶۸ به مسکو سفر نمود و دوباره به قاهره بازگشت و از ابتدای سال ۱۹۶۹ مسئولیت نظارت بر چاپ صفحه‌ی (فکر و فن) (= اندیشه و هنر) در روزنامه‌ی (الاهرام) را بر عهده گرفت. «از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۴ در هفته‌نامه‌ی (العربی)، بخش ادبیات، فعالیت کرد.» (همان-جا)

بعد از آن‌که جنبش فلسطینی در تابستان ۱۹۷۱ از اردن خارج شد، به لبنان رفت و تصمیم گرفت که به این جنبش بپیوندد؛ به همین دلیل در ۱۹۷۲ به بیروت رفت و در تأسیس اتحادیه عمومی نویسندگان و روزنامه‌نگاران فلسطینی مشارکت نمود و در اولین گردهمایی آن در سپتامبر ۱۹۷۲ به‌عنوان عضو دبیرخانه‌ی این اتحادیه انتخاب شد و مسئولیت کمیته‌ی اتحادیه را بر عهده گرفت و به‌همراه دوستان نویسنده و شاعر فلسطینی‌اش در نگارش هفته‌نامه‌ی (فلسطین الثورة) مشارکت جست، هفته‌نامه‌ای که سخنگوی سازمان آزادی‌بخش فلسطین بود، و معین با نگارش مقاله‌ای هفتگی تحت عنوان (نحن عالم واحد) با آن هم‌کاری می‌کرد.

بسیسو چندین بار هم به زندان افتاد، مثلاً در دوره‌ای که در مصر بود از ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ و از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ زندانی شد که البته این مقاطع متوالی نبود. آقای عبود می‌گوید: «بسیسو حدود دو سال و نیم زندانی بود و در زندان بود که یکی از زیباترین قصائد خود (السيف علی العنق) را سرود. (عبود، ۲۰۰۸:۲۳۲) همچنین او یکی از اعضای برجسته حزب کمونیست بود.

دکتر شوملی او را اولین دبیر کل حزب کمونیست در نوار غزه معرفی می کند. (شوملی، ۲۰۰۸: ۱۹۷) البته همانطور که بعداً نیز خواهیم گفت، ماهیت کمونیست در آن دوره بطور کامل شناخته نشده بود و بسیاری از جوانان انقلابی برای مبارزه به این حزب می پیوستند. بسیسو نیز در ابتدای دوران مبارزه، فعالیت های زیادی در این حزب کرد اما بعداً از آن جدا شد.

معین بسیسو از نزدیکترین افراد به رهبر فلسطینی، ابو عمار، بود و در تنظیم تعداد زیادی از سخنرانی های رسمی او شرکت کرد. مشهورترین این سخنرانی ها سخنرانی ای بود که عرفات در سال ۱۹۷۴ در سازمان ملل متحد ایراد نمود (جتتکم حاملاً غصن الزيتون بید و البندقیه بید). او هم چنین به همراه شاعر فلسطینی، محمود درویش، در تنظیم پیام هایی که عرفات به سرزمین های اشغالی می فرستاد مشارکت می کرد.

نیز بسیسو به نمایندگی فلسطین در مجمع نویسندگان آسیا و آفریقا انتخاب شد و در همایش های فرهنگی و ادبی ای که سازمان آزادی بخش فلسطین بدانها دعوت می شد شرکت می نمود. او در سال ۱۹۸۰ موفق به دریافت جایزه (لوتس) گردید.

به دنبال ورود نیروهای نظامی صهیونیستی به داخل مرزهای لبنان در تابستان ۱۹۸۲، معین به همراه دوستانش لبنان را ترک کرد و در تونس اقامت گزید.

در آغاز دهه ی هشتاد کنفرانس اتحادیه نویسندگان آسیایی-آفریقایی که در تاشکند بر پا شده بود تصمیم گرفت ریاست (اللوتس) را به فلسطین اختصاص دهد. معین به نمایندگی از فلسطین ریاست تحریر آن را بر عهده گرفت. تونس نیز به عنوان مرکز این مجله انتخاب شد.

سرانجام بسیسو در ۲۴ ژانویه ۱۹۸۴ در لندن وفات یافت و پیکرش، بعد از این که صهیونیست ها از دفن آن در خاک فلسطین ممانعت کردند، در سرزمین مصر مدفون گردید.

در ژانویه ۱۹۹۰ لقب «وسام القدس للثقافة و الفن» (= مدال فرهنگ و هنر فلسطین) به او

اعطا شد.

آثار

الف) اشعار:

۱- المعركة (اول دواوینه الشعریه). (۱۹۵۱). قاهره: دار القلم.

- ۲- الاردن على الصليب (تقديم: عبد الرحمن شقير). (۱۹۵۷) قاهره: دار الفكر العربى. ۳۴ ص.
- ۳- قصائد مصريه / بالاشتراك. (۱۹۶۰). بيروت: دار الآداب.
- ۴- فلسطين فى القلب. (۱۹۶۳). بيروت: دار الآداب.
- ۵- مارد من سنابل. (۱۹۵۸). قاهره: دار الفكر؛ (۱۹۶۷). قاهره: دار الكاتب العربى.
- ۶- الاشجار تموت واقفة. (۱۹۶۴). قاهره: دار الآداب.
- ۷- كراسه فلسطين. (۱۹۶۶). بيروت: دار العوده.
- ۸- قصائد على زجاج النوافذ. (۱۹۷۰).
- ۹- جئت لادعوك باسمك. (۱۹۷۱). بغداد: وزاره الاعلام.
- ۱۰- الآن خذى جسدى كيس من الرمل. (۱۹۷۶). بيروت: فلسطين.
- ۱۱- القصيده / قصيده طويله. (۱۹۸۳). تونس: دار ابن رشد.
- ۱۲- الاعمال الشعريه الكامله: مجلد واحد. (۱۹۷۹). بيروت: دار العوده.
- ۱۳- آخر القراصنه من العصفير / العن اجدادك يا جدى
- ۱۴- حينما تمطر الاحجار
- ۱۵- بين السنبله و القنبلة. (۱۹۸۶). تونس. ۲۵۶ ص.
- ۱۶- المسافر.
- ۱۷- القتلى و المقاتلون و السكارى. (۱۹۷۰). بيروت.

اشعار درامى كه برأى تلويزيون كار كرده است:

- ۱- (محاكمه ابن مقفع) در ۷ ساعت به كارگردانى صلاح ابوهنود
- ۲- (رسائل الى العالم) در ۱۲ ساعت به كارگردانى صلاح ابوهنود

ب) نمايش نامه ها:

- ۱- مانساة جيفارا. (۱۹۶۹). قاهره: دار الهلال.

- ٢- ثورة الزنج. الهيئة المصرية العامه للتأليف و النشر.
- ٣- شمشون و دليبه. (١٩٧٠)
- ٤- الصخره.
- ٥- العصافير تبني اعشاشها بين الاصابع.
- ٦- محاكمه كتاب كليبه و دمنه.
- ٧- الاعمال المسرحيه: ست مسرحيات فى مجلد واحد. (١٩٧٩). بيروت: دار

العوده.

ج) آثار منشور:

- ١- مات الجبل، عاش الجبل. (١٩٧٦)
- ٢- نماذج من الروايه الاسرائيليه المعاصره. (١٩٧٠). الهيئة العربيه العامه

للتأليف و النشر.

- ٣- باجس ابوعطوان / قصه. (١٩٧٤). بيروت: فلسطين الثورة.
- ٤- دفاعاً عن البطل. (١٩٧٥). بيروت: دار العوده.
- ٥- البلدوزر/ مقالات. (١٩٧٥). مؤسسه العربيه للدراسات.
- ٦- دفاتر فلسطينيه / مذكرات. (١٩٧٨). بيروت.
- ٧- كتاب الارض / رحلات. (١٩٧٩). بيروت: دار العوده.
- ٨- ادب القفز بالمظلات. (١٩٧١). قاهره: كتاب الهلال.
- ٩- الاتحاد السوفيتى لى. (١٩٨٣). مسكو.
- ١٠- ٨٨ يوما خلف متاريس بيروت. (١٩٨٥). بيروت.
- ١١- عوده الطائر / قصه.
- ١٢- وطن فى القلب (شعر مترجم الى الروسيه). مختارات موسكو.
- ١٣- يوميات غزه. (١٩٧١). الهيئة العامه للتأليف و النشر.
- ١٤- غزه مقاومه دائمه. (١٩٧٣). بيروت: دار الهدى للطباعه.

۱۵- عطر الارض و الناس في الشعر اللبني المعاصر. (۱۹۶۷). طرابلس: دار

المعیدان.

۱۶- الشعر في الارض المحتلة. (۱۹۷۰). قاهره: جريدة الاهرام.

(د) هم‌کاری‌هایش در مطبوعات عربی:

بسیسو در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات عربی مطلب می‌نوشت که از جمله‌ی آن-

هاست:

۱- جريدة الثورة السورية تحت عنوان: «من شوارع العالم».

۲- جريدة فلسطين الثورة تحت عنوان: «نحن من عالم واحد».

نیز مقالات فراوانی در مجلات نوشت، از جمله

۱- مجلة الديار المصرية اللبنانية

۲- مجلة الاسبوع العربي اللبنانية

۳- مجلة الميدان اللبني.

هم‌چنین در تألیف روزنامه‌ی (المعركة) که در زمان محاصره‌ی بیروت در این شهر چاپ می‌شد به‌همراه جمع کثیری از شعراء و نویسندگان عرب شرکت جست. و نیز به‌همراه بعضی از نویسندگان در نگارش کتاب‌هایی برای نوجوانان، درباره‌ی دانشمندان و قهرمانان عربی مشارکت کرد؛ همه‌ی آن کتاب‌ها را (دار العوده) بیروت در سال ۱۹۷۴ چاپ کرد. از جمله‌ی آن شخصیت‌ها می‌توان به ابن خلدون، حسن بن الهیثم، ابو الطیب المتنبی، صلاح الدین الایوبی، خالد بن ولید، ابوذر الغفاری و جمال عبدالناصر اشاره کرد. (نوفل، ۲۰۰۵: ۵۰۷-۵۰۸؛ شراب، ۲۰۰۶: ۴۱۵؛ ابو شاور، ۲۰۰۳: ۴۵۲؛ ابو شباب، ۱۹۸۱: ۲۴۷-۲۴۸)

آراء، افکار و مکتب شعری

علی‌رغم این‌که بعضی از منتقدان بر این باورند که شاعر و ادیب از فضای زمانی و مکانی خود بزرگ‌تر است و نباید او را متأثر از محیط و جامعه دانست، باید گفت آنچه واقعاً وجود دارد این است که ادیب، هر قدر هم که بزرگ باشد و نیز تأثر او از محیط اطراف در برابر تأثیری که او بر محیط اطراف می‌گذارد ناچیز باشد، باز به‌عنوان یک انسان، خواه‌ناخواه، از محیط و حوزه‌ی اجتماعی-سیاسی‌ای که در آن زندگی می‌کند یا با آن، از نزدیک یا دور، در ارتباط است تأثیر می‌پذیرد؛ این امر، خصوصاً در شعرای واقع‌گرا بیش‌تر دیده می‌شود. پس طبیعتاً برای نقد آثار هر مولفی در زمینه ادبیات، ناگزیر از رجوع به فضای فکری او در حوزه‌های سیاست، نقد و ادب هستیم. در همین راستا و برای درک فضای فکری ادیب، باید فضای اجتماعی-سیاسی دوران حیات او را به دقت واکاوی کرد و به بحث درباره‌ی آن‌ها پرداخت.

این مسأله در مورد ادبیات سراسر جهان صدق می‌کند؛ ادبیات معاصر عربی هم از این قضیه مستثنی نیست، با این تفاوت که ادیبان معاصر عرب در طول حیات خود از دو جریان بزرگ‌تر دیگر نیز تأثیر می‌پذیرند: ۱- سنت ۲- غرب.

در مورد اول باید گفت، سنت در تفکر شاعران عرب همیشه جایگاهی ثابت داشته و دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند منکر تأثیرات سنت بر تفکر آن‌ها شود. تنها وجه اختلاف در این زمینه به میزان تأثیر سنت در ادیبان بازمی‌گردد.

اما تأثیرپذیری ادبای عرب از غرب، که معمولاً در حوزه‌های مکاتب ادبی و یا فلسفی و یا مکاتب سیاسی و جامعه‌شناسی و یا مکاتب نقد و ... دیده می‌شود، صورتی متفاوت با خود اندیشمندان و ادبای غربی دارد.

در حوزه‌ی تفکر عربی، از آنجایی که خود اندیشمندان، مصدر اصلی ایده‌پردازی نبوده‌اند، طبیعتاً هیچ‌گونه تعهدی نیز، به پایبندی به آن مکاتب، ندارند؛ نتیجه این می‌شود که ایشان هر لحظه به مکتبی دیگر گرایش می‌یابند؛ این امر خصوصاً در میان شاعران ظهور و بروز دارد. به-سبب همین است که نمی‌توان نامی یافت که از ابتدا تا انتها در اعتقاد به یک مکتب ادبی ثبات داشته باشد.

شاعر مورد بحث ما هم از این قضیه مستثنی نیست. او شاعری است که ویژگی‌های مکتب کلاسیسیسم، رمانتیسم و رئالیسم و شاید هم مکاتب دیگر ادبی -هرچند اندک- در اشعارش وجود دارد.

بنا بر این، نمی‌توان اشعار او را حاصل تأثر از یک مکتب خاص تلقی کرد. بسیسو، در حوزه مسائل سیاسی و نقدی، مارکسیست بود (هرچند بعداً از این حزب جدا شد، در عقیده به آن پایبند بود). از سویی دیگر، از آنجایی که او شاعری فلسطینی بود و دائماً به خلق آثار در حوزه ادبیات مقاومت و جنگ اشتغال داشت، طبیعتاً، وجه غالب شعری او واقع‌گرایی است. شاهد این مدعا مقدمه‌ی خود او در باب شعر و شاعری در کتاب *(الاعمال الشعریه الکامله)* و هم‌چنین مقالات و سخنرانی‌های پراکنده‌اش در این باب است.

در نتیجه، پیش از آن‌که به جزئیات نظرات و عقائد او در باب شعر، سیاست و نقد پردازیم، لازم است به بررسی این دو مکتب، یعنی مارکسیسم و رئالیسم، پردازیم و تأثیرشان را در تفکر عربی و خصوصاً ادبیات عربی بررسی کنیم، تا راحت‌تر به ژرف‌ساخت عقائد معین بسیسو ره ببریم.

رئالیسم (= واقع‌گرایی)

«تعریف: از نظر واژگان، اصطلاح رئالیسم از ریشه‌ی لغت (رس) (res) به معنی چیز است. و رئالیسم یعنی چیزگرایی یا شیئیت.» (گران، ۱۳۷۹: ۵۶)

از حیث اصطلاح بر مکتبی در ادبیات اطلاق می‌شود که: "تصویری از واقعیات چشم-اندازهای زندگی خارج و آزاد از ایدئالیسم، ذهن‌گرائی و رنگ رمانتیک باشد. این برخوردار، نقطه‌ی مقابل رمانس است. لکن نظیر ناتورالیسم، از فلسفه جبر و وضع کاملاً غیراخلاقی ناشی نمی‌شود." (ولک: ج. ۴، ۱۱ به نقل از ثروت، ۱۳۸۵: ۹۷)

«در کار ادبیات تصویر عینی حیات، رئالیسم محسوب نمی‌شود زیرا تصویر آنچه که در برابر چشمان گسترده است تنها نمایش پدیده‌های ظاهری است و در نهایت تنها به یک عکاسی بی‌روح بدل می‌شود.» (ثروت، ۱۳۸۵: ۱۰۰)